

## نظام ژئوپلیتیکی غرب آسیا و نظم مطلوب منطقه‌ای ایران

امیر قدسی<sup>۱</sup>

دریافت مقاله: ۹۶/۰۷/۲۸

پذیرش مقاله: ۹۶/۰۹/۳۰

### چکیده

تاریخ امنیتی منطقه موسوم به غرب آسیا نشان می‌دهد این منطقه جغرافیایی، بیش از سایر حوزه‌های ژئوپلیتیکی در شرایط بی‌ثباتی، ناامنی، بحران و تعارض قرار داشته است. جنگ‌های منطقه‌ای، درگیری‌های مرحله‌ای، اختلاف‌های سرزمینی، بحران‌های پایان‌ناپذیر و تکرارشونده را می‌توان در شمار عواملی دانست که ضرورت مطالعه دائمی درباره شاخص‌های امنیت منطقه‌ای را اجتناب‌ناپذیر می‌کند. استمرار این آشوبناکی به همراه پایداری کدهای ژئوپلیتیکی، موجب شده تا منطقه غرب آسیا در شرایط کنونی به یکی از بحرانی‌ترین و ناامن‌ترین مناطق جهان تبدیل گردد. در این میان، پرسش اساسی این است که ایران به‌عنوان یکی از کشورها و بازیگران بسیار تأثیرگذار منطقه، نظم مطلوب خود را در تحقق کدامین شرایط جستجو می‌کند. از این رو، این پژوهش در پی آن است با بازخوانی الگوهای رایج امنیت منطقه‌ای و تناسب آن با شرایط و ویژگی‌های منطقه، پس از تبیین شاخص‌های و مطلوبیت‌های خود، اولویت‌های اقدام برای استقرار نظم امنیت منطقه را مشخص نماید. روش تحقیق بر پایه گردآوری و تحلیل اسنادی پژوهش‌ها و میزهای تخصصی مرتبط با موضوع بوده و برای اعتبار سنجی یافته‌ها، از تعداد ۲۵ تن از کارشناسان و خبرگان دعوت به همکاری گردید تا نقطه نظرات خود در قالب گویه‌های احصا شده و اولویت آن را مشخص نمایند. این نظرات در دستگاه نرم‌افزار SPSS مورد تحلیل قرار گرفته و نتایج آن بیانگر آن است که مناسب‌ترین الگوی ایجاد نظم برای ج.ا.ایران بر مبنای «الگوی مشارکتی»، «تمدن و اقتصاد پایه» و با رویکرد «قدرت آفرینی نرم» خواهد بود.

**واژگان کلیدی:** امنیت منطقه‌ای، نظام‌های امنیت منطقه‌ای، ژئوپلیتیک، غرب آسیا، ج.ا.ایران.

<sup>۱</sup> - دکترای مهندسی سیستم‌های فرهنگی، پژوهشگر و مدرس دانشگاه (نویسنده مسئول)، amir.gh2350@yahoo.com



## مقدمه

غرب آسیا زیر سیستم منطقه آسیای جنوب غربی است و کشورهای این منطقه با توجه به شرایط داخلی و ساختار نظام بین‌الملل، با یک ناامنی فراگیر و همه‌جانبه دست‌به‌گریبان هستند. این کشورها نمی‌توانند در بعد امنیتی از تأثیر نظام بین‌الملل بر سمت‌گیری‌ها و سیاست‌های خارجی خود چشم‌پوشی کنند. جمهوری اسلامی ایران در محیط پیرامونی خود با تهدیدهای متعددی مواجه است که موجب شده امنیت و بقای نظام به مخاطره افتد. گسترش سلاح‌های کشتار جمعی، رشد تروریسم و افراط‌گرایی مذهبی، ستیزه‌ها و اختلافات درونی، شکاف‌های قومی و قبیله‌ای، مهاجرت‌ها و جریان آوارگان و پناهندگان، ناآرامی‌های اجتماعی و افزایش میل به خشونت، کاهش رفاه و رشد بیکاری و بی‌ثباتی‌های ناشی از آلودگی محیط‌زیست؛ از جمله تهدیدات محیط پیرامونی کشور است. این در حالی است که کشورهای فرا منطقه‌ای برای مخدوش کردن چهره جمهوری اسلامی ایران در منطقه در تلاش هستند با تبلیغات شدید و اتهاماتی نظیر فعالیت‌های هسته ایران برای تولید بمب اتمی، همکاری و حمایت از تروریسم بین‌المللی و نقض حقوق بشر؛ در جهت بی‌اعتبار کردن و منزوی ساختن ایران گام بردارند. پرسش بنیادین پژوهش حاضر این است که ساختار امنیتی مطلوب ج.ا.ایران در منطقه غرب آسیا چیست و چه الزامات و بایسته‌هایی را متوجه استراتژی امنیتی ایران می‌کند؟

**ضرورت‌های تحقیق:** برخی از مهم‌ترین ضرورت‌های تحقیق عبارت است از: استمرار آشوبناکی و پایداری کدهای ژئوپلیتیکی منطقه غرب آسیا؛ چندوجهی بودن ماهیت تهدیدها و افزایش میزان نوع آن؛ پاسخگو نبودن دیدگاه‌های امنیتی مکاتب موجود برای از بین بردن بحران‌ها؛ تخلیه انرژی کشورهای منطقه (جهان اسلام) و فراهم شدن زمینه برای پذیرش الگوهای تحمیلی و لزوم به‌کارگیری راهبرد مناسب و مطلوب در جهت کم کردن تنش‌ها.

پرسش اصلی این پژوهش این است که ویژگی‌ها و مشخصات امنیت منطقه غرب آسیا چیست و نظم مطلوب ج.ا.ایران کدام است؟ بر همین اساس، پرسش‌های فرعی به این شرح نیز در نظر گرفته شده است: مهم‌ترین تهدیدها و عوامل ناامنی ساز منطقه کدام است؟ محتمل‌ترین سناریوهای نظم منطقه در آینده چیست؟ مهم‌ترین دلایل عدم شکل‌گیری امنیت مطلوب ج.ا.ایران چیست؟ مهم‌ترین اصلی‌ترین پیشران‌های شکل‌دهنده به نظم آینده چیست؟ منطبق‌ترین الگوی امنیت منطقه‌ای با مطلوبیت‌های ج.ا.ایران کدام است؟ و درنهایت، اولویت اقدام برای تأمین این مطلوبیت چیست؟



## مبانی نظری

### پیشینه شناسی:

«الگوی نظم منطقه‌ای در آسیای غرب» عنوان مقاله‌ای است به قلم فرزاد پور سعید که در کنفرانس امنیتی تهران در آذرماه ۱۳۹۵ ارائه و در این مقاله نویسنده شرایط منطقه غرب آسیا در یک‌صد سال اخیر و از قرارداد سایکس-پیکو را مورد دقت قرار داده و یافته نهایی مقاله در چهار الگو (بر پایه سه سناریوی محتمل) تبیین شده است.

«ابعاد نظری امنیت در گفتمان ج.ا.ایران» عنوان مقاله دیگری است به قلم مصطفی ساوه درودی که در مجموعه مقالات همایش امنیت پایدار دانشگاه امام حسین (علیه‌السلام) در سال ۱۳۹۴ منتشر شده و در این مقاله نویسنده با تشریح مفاهیم نظری امنیت، گفتمان، تهدید و فرصت، گفتمان امنیتی جمهوری اسلامی ایران را بر اساس اسلام سیاسی مورد واکاوی قرار داده است.

برای تبیین هر چه مطلوب بحث «کلان رویکردها به مقوله امنیت منطقه‌ای»، ابتدا دو گفتمان مسلط بر حوزه امنیت را مرور می‌کنیم:

الف-گفتمان سلبی: ویژگی‌های این تفکر تهدیدمحوری، تراکمی و برون‌نگری با نگاه سخت‌افزاری است. بر اساس این رویکرد، امنیت از جمله مفاهیمی است که تابع انتزاعات ذهنی، تجربیات و حوزه قدرت است و مربوط به محیطی است که همواره ناامنی از آن برداشت می‌شود.

ب- گفتمان ایجابی: در رویکرد ایجابی مراد از امنیت ایجاد فضای مناسب و شرایط مطلوب است. در این رویکرد، امنیت به وضعیتی تعبیر می‌شود که در آن نسبت متعادل بین «خواسته‌ها از یکسو و «کارآمدی نظام حاکم» از سوی دیگر، وجود داشته باشد؛ به گونه‌ای که تولید رضایت نماید. به عبارت دیگر، امنیت در گفتمان نخست بر «قدرت» و در گفتمان دوم بر «رضایت» استوار است. ویژگی‌های این تفکر رضایت‌محوری و درون‌نگری با نگاه نرم‌افزارانه می‌باشد. (افتخاری، ۱۳۹۳: ۲۷)

با این توضیح می‌توان دو بعد اصلی را از یکدیگر در بحث تهدیدشناسی تشخیص داد:

بُعد سخت‌افزارانه تهدید که واقعی، عینی، محسوس و قابل اندازه‌گیری است. (ربیعی، ۱۳۸۳: ۸۶)

بُعد نرم‌افزارانه تهدید که به دو شکل قابل بحث است:

ذهنیت به‌مثابه بعدی از تهدید: تهدید، به ابعاد سخت‌افزاری محدود نیست و دارای ابعاد ذهنی و روان‌شناختی نیز می‌باشد. این‌گونه تهدیدها در شرایط و مقتضیات زمانی و مکانی رو به افزایش است. بنابراین، تلقی سنتی از امنیت به «نبود تهدید نظامی» نه تنها نمی‌تواند امنیت ساز باشد؛ بلکه



باعث ناامنی‌های بیشتری در آینده از ناحیه عدم توجه به ابعاد نوین تهدید خواهد بود. (رضاقلی، ۱۳۹۱: ۶۳)

ذهنیت به مثابه عامل هویت‌بخش تهدید: «ذهنیت»، کلیه ابعاد سخت‌افزاری و نرم‌افزاری تهدید را معنادار می‌کند. در اینجا تهدید هویتی نامحسوس، مجازی و فراواقعی در ذهن بازیگر است. نسبت بین آن عینیت بیرونی با آن تصویر مجازی ضرورتاً منطبق نیست. از این رو، می‌توان تصور نمود که بازیگر اقدام به تولید تهدید نماید، اما «بازیگر هدف» احساس تهدید ننماید و یا برعکس، به همین دلیل احساس تهدید از تهدید اهمیت بیشتری می‌یابد. (رویمر، ۱۳۹۲: ۶۴) به عبارت کلی، هر تهدید دارای دو وجود است: وجود عینی و وجود ذهنی. در این میان ذهنیت بر عینیت اولویت داشته و به آن معنا می‌دهد.

### بازخوانی الگوهای رایج امنیت منطقه‌ای

#### مفاهیم امنیتی منطقه‌ای

**جامعه یا مجموعه امنیتی منطقه‌ای<sup>۱</sup>**: مجموعه امنیتی را الگوهای دوستی و دشمنی تعریف می‌کنند. قرار گرفتن در یک حوزه تمدنی مشترک که دارای فرهنگ مشترکی هستند از ویژگی‌های مجموعه امنیتی است. مثل اعراب، اروپایی‌ها، آمریکای لاتینی‌ها... . گروهی از دولت‌ها که نگرانی‌های اصلی امنیتی آن‌ها تاندازه‌ای به یکدیگر گره خورده و امنیت ملی آن‌ها را به صورت منطقی نمی‌توان جدا از یکدیگر مورد توجه قرار داد. (بوزان، ۱۳۸۸: ۵۵).

**نظام امنیتی منطقه‌ای<sup>۲</sup>**: در سطح منطقه‌ای دولت‌ها یا واحدها به اندازه‌ای به هم نزدیک هستند که نمی‌توانند امنیت دیگران را جدا از امنیت خود در نظر گیرند. امنیت جهانی و ملی در سطح منطقه‌ای بر همدیگر تأثیر می‌گذارند و تصویر کلی در محل تقاطع این دو سطح شکل می‌گیرد. **اتتلاف امنیتی منطقه‌ای**: در میان دولت‌های نزدیک به هم تشکیل می‌شود. معمولاً موردی است و در برابر تهدیدی خاص ایجاد شده و پس از رفع تهدید از میان می‌رود.



<sup>۱</sup> . Regional Security Complex

<sup>۲</sup> . Regional Security System

سازمان‌های امنیتی منطقه‌ای<sup>۱</sup>: دولت‌های عضو یک جامعه امنیتی برای مقابله با تهدیدات و تأمین امنیت به ایجاد سازمان امنیتی مشترک اقدام کرده‌اند تا بتوانند با واگذاری بخشی از حاکمیت ملی به سازمانی فراملی امنیت خود را با هزینه کمتر تأمین نمایند. (آر لیتل، ۱۳۸۰: ۵۰-۶۷)

### ویژگی‌های امنیت منطقه‌ای در نظریه مجموعه امنیتی منطقه‌ای (بری بوزان)

- مجموعه امنیتی را الگوهای دوستی و دشمنی تعریف می‌کنند. قرار گرفتن در یک حوزه تمدنی مشترک که دارای فرهنگ مشترکی هستند از ویژگی‌های مجموعه امنیتی است. مثل اعراب، اروپایی‌ها، آمریکای لاتینی‌ها...

- شکل‌گیری مجموعه امنیتی از یک‌طرف ناشی از تعامل میان ساختار آنارشیک و پیامدهای آن بر توازن قوا و از طرف دیگر ناشی از فشارهای نزدیکی جغرافیایی است.

- تمام دولت‌های سیستم تا حدی درون یک شبکه جهانی وابستگی متقابل امنیتی قرار گرفته‌اند، اما این وابستگی در همه‌جا یکسان نیست و مجاورت جغرافیایی تأثیر زیادی در وابستگی امنیت آن‌ها دارد.

- الگوی فراگیر توزیع قدرت میان قدرت‌های جهانی با پوشش‌های مجموعه‌های امنیتی منطقه‌ای از طریق سازوکار نفوذ پیوند می‌خورد. نفوذ زمانی است که قدرت‌های خارجی با دولت‌های واقع در یک مجموعه امنیتی وارد صفت‌بندی امنیتی می‌شوند. مثل شوروی و آمریکا با هند و پاکستان در دوره جنگ سرد و روسیه و آمریکا با سوریه و عربستان در حال حاضر. (بوزان و الی ویور، ۱۳۸۸: ۸۷-۹۳)

امنیت منطقه‌ای از منظر واقع‌گرایی و نواقح‌گرایی:

- امنیت، مهم‌ترین و اصلی‌ترین وظیفه دولت‌های ملی است و قدرت مهم‌ترین ابزار تأمین آن است.

- موازنه قدرت و دیپلماسی نقش اصلی در تأمین امنیت ملی کشورها دارند.

- دولت‌ها تنها بازیگران جامعه بین‌المللی هستند و در شکل دادن به نظام بین‌الملل نقش اصلی را ایفا می‌کنند. بازیگران دیگر تابعی از دولت ملی هستند.

- ساختار نظام بین‌المللی آنارشیک است و دولت‌ها بر اساس اصل خودیاری چاره‌ای افزایش قدرت ملی ندارند.

<sup>۱</sup>. Regional Security Organizations



- تهدیدات مشترک می‌تواند به شکل‌گیری ائتلاف‌های بین‌المللی و منطقه‌ای منجر شود. اما چیزی که اصالت دارد منافع ملی است.

- ائتلاف‌ها بر اساس منافع شکل می‌گیرد و با تغییر منافع ممکن است از بین رفته و جای خود را به ائتلافی دیگر دهد. (عبدالله خانی، ۱۳۹۰: ۶۵-۸۹)

- نواقع‌گرایی نگرشی سیستمی به نظام بین‌المللی دارد. به ساختار نظام بین‌المللی و نحوه توزیع قدرت در آن اهمیت زیادی قائل است. نظام چندقطبی باشد، عامل مؤثری در تأمین امنیت است. ساختار نظام بین‌الملل و دولت نقش اصلی دارد و رویکرد قدرت‌محور دارد. (عبدالله خانی، ۱۳۹۰: ۲۷۵)

#### امنیت منطقه‌ای از منظر نظریه لیبرالیسم:

- دولت‌ها، یکی از بازیگران جامعه بین‌المللی هستند، در کنار دولت‌های ملی، شرکت‌های چندملیتی، سازمان‌های بین‌المللی و سازمان‌های مردم‌نهاد نقش مهمی را در جهان امروز ایفا می‌کنند.

- در جهان امروز وابستگی متقابل پیچیده‌ای میان جوامع شکل گرفته است. آن‌ها به شدت به هم وابسته و آسیب‌پذیرند.

- مسائل و موضوعات اقتصادی و فنی نقش بسیار مهمی در مناسبات بین‌المللی ایفا می‌کنند و موجب پیوند عمیق میان کنشگران بین‌المللی شده و محدودیت‌های زیادی برای سیاستمداران در انتخاب گزینه‌های امنیتی به وجود می‌آورد.

- جوامع امنیتی موفق از همکاری‌های مشترک کشورها در حوزه‌های فنی و اقتصادی شروع شده و به حوزه‌های دیگر گسترش یافته است. اصل تسری در همکاری منطقه مطرح است. (عبدالله خانی، ۱۳۸۹: ۹۵-۱۰۴)

#### امنیت و نظم امنیتی از منظر نظریه برسازی:

- امنیت یک ارزش هنجاری است نه یک هدف ابزاری

- امنیت به شکل اجتماعی شکل می‌گیرد و بر بنیان‌های ثابتی استوار نیست.

- مباحث امنیتی در متن یک جامعه سیاسی شکل گرفته و تقویت می‌شوند، اما این جامعه لزوماً به دولت ملی محدود نمی‌شود و جامعه بین‌المللی می‌تواند محیطی را فراهم آورد که در آن از

امنیت برداشت‌های دیگری شکل گیرد. (عبدالله خانی، ۱۳۸۶: ۷۹-۶۰)



علاوه به سه گزاره کلیدی فوق، نظریه برسازی معتقد است:

- دولت‌ها بازیگران اصلی جامعه بین‌المللی هستند، اما تنها بازیگران نیستند.  
- ساختار و کارگزار در تعامل با یکدیگر هستند و بر هم تأثیر می‌گذارند و روندهای آینده را شکل می‌دهند.

- جوامع امنیتی را از نظر میزان استحکام روابط به جوامع سفت پیوند و جوامع سست پیوند تقسیم کرد. در اولی ارزش‌ها و اهداف مشترک شکل گرفته و پیوند اعضای جامعه قوی است، اما در دومی ارزش‌ها ضعیف است و پیوندهای درهم‌تنیده‌ای بین آن‌ها شکل نگرفته است. (یزدان فام، ۱۳۸۹: ۱۹۰)

### روش‌شناسی تحقیق

روش تحقیق پژوهش ترکیبی است از روش توصیف-تحلیلی و خبرگی. در این تحقیق پس از شناسایی شاخص‌های مؤثر بر امنیت ملی ج.ا.ایران و الگوهای مطلوب، یافته‌های تحقیق در قالب پرسشنامه تنظیم گردید و به منظور پاسخ‌دهی به پرسش‌ها، از یک پرسشنامه محقق ساخته استفاده کردیم. روایی این پرسشنامه با استفاده از روایی محتوا مورد تأیید قرار گرفت. برای بررسی روایی محتوایی، پرسشنامه‌ها در اختیار صاحب‌نظران مرتبط با موضوع تحقیق قرار گرفت تا نظر و پیشنهادها خود درباره محتوای گویه‌های پرسشنامه را متناسب با هدف تحقیق ارائه دهند. پس از دریافت پرسشنامه، اصلاحات پیشنهادی قابل قبول اعمال تا پرسشنامه از روایی محتوای لازم برخوردار باشد. برای بررسی پایایی پرسشنامه نیز از یک نمونه اولیه استفاده شد و با به‌دست آمدن ضریب آلفای کرونباخ ۰/۸۷، پایایی پرسشنامه نیز مورد تأیید قرار گرفت و پرسشنامه نهایی به منظور گردآوری اطلاعات، در اختیار خبرگان حوزه امنیت منطقه‌ای قرار گرفت. نظرات تعداد ۲۵ نفر از افراد خبره در حوزه تحقیق گردآوری شد و به منظور تجزیه و تحلیل اطلاعات، وارد نرم‌افزار آماری SPSS گردید.

### تجزیه و تحلیل داده‌ها و یافته‌های تحقیق

کدهای ژئوپلیتیکی منطقه غرب آسیا و دلایل عدم شکل‌گیری ثبات منطقه‌ای: تعاریف گوناگونی از ژئوپلیتیک وجود دارد: درک واقعیت‌های محیط جغرافیایی به منظور دستیابی به قدرت، به نحوی که بتوان در بالاترین سطح وارد بازی جهانی شد و منافع ملی و حیات ملی را حفظ کرد. (عزتی، ۱۳۸۰: ۷) نیز: ژئوپلیتیک شیوه قرائت و نگارش سیاست بین‌الملل به وسیله صاحبان



قدرت و اندیشه و تأثیر آن‌ها بر تصمیم‌گیری‌های سیاسی در سطح ملی و منطقه‌ای است. (میرحیدر، ۱۳۷۷: ۲۲) همچنین: شناخت صحیح عوامل ثابت و متغیر ناشی از جبر جغرافیایی و تأثیر متقابل آن‌ها و ضرورت‌هایی که سیاست‌های برخورد با آن‌ها را تبیین می‌کند، ژئوپلیتیک نامیده می‌شود. (کاظمی، ۱۳۶۹: ۱۲۹) گداهای ژئوپلیتیکی نیز پیش‌فرض‌های استراتژیکی هستند که از آن‌ها به‌عنوان عناصر و درون‌مایه اصلی شکل‌دهنده به سیاست خارجی یک دولت در مقابل دولت‌های دیگر یاد می‌شود؛ رفتاری که دولت‌ها از طریق آن هستی خود را برای جهان توجیه می‌کنند. (قلی زاده، ۱۳۹۰: ۲۳۲) به عبارتی، منظور این نوشتار از بیان گداهای ژئوپلیتیکی، ناظر بر بسترها و واقعیت‌های صحنه رقابت و کشمکش در پیوند سه عامل جغرافیا، سیاست و قدرت می‌باشد. منطقه غرب آسیا از دیرباز دارای اهمیت بوده است. عموم صاحب‌نظران این منطقه را قلب زمین نامیده‌اند و از آن به حوزه جغرافیای ژئوپلیتیک جهان یاد کرده‌اند. بدون تردید، غرب آسیا دارای ظرفیت‌های فراوان در تأثیرگذاری در سطح جهانی است. منطقه‌ای که از یکسو منابع اصلی ذخایر انرژی دنیا را در خود جای داده است و از سوی دیگر شاهراه ارتباطی جهان است. همین دو مقوله به‌تنهایی به استراتژیک بودن منطقه منجر شده است و البته سیاست‌های ابرقدرت‌های جهانی را به خود معطوف کرده است. حضور طولانی کشورهای استعماری در منطقه غرب آسیا از جمله دلایل اصلی برای بااهمیت فرض کردن این منطقه است و همین مسئله منجر به پیچیده‌تر شدن وضعیت منطقه غرب آسیا شده است. مقوله‌ای که هم‌اکنون نیز قابل مشاهده است و صحنه غرب آسیا امروزین را به صحنه‌ای پرتلاطم و بحران‌زا تبدیل کرده است.

منطقه غرب آسیا به‌واسطه برخورداری از گداهای ژئوپلیتیکی و پایداری عوامل بحران‌خیز آن، به کانون بزرگی از بحران در تراز جهانی تبدیل شده است. کانون‌های بحران عراق، سوریه و تاندازه‌ای یمن، به محور توجهات تبدیل و بیشترین نشانه‌های فضای بحرانی را می‌توان در فضای سیاسی حوزه ژئوپلیتیکی خلیج فارس مشاهده کرد. اصلی‌ترین شاخص بحران در نشانه‌هایی از جمله «احساس ناامنی» نسبت به محیط منطقه‌ای قابل ملاحظه است. کشورهای غرب آسیا نه تنها نسبت به بازیگران بین‌المللی احساس تردید دارند، بلکه محیط هم‌جوار خود را نیز امن و مطلوب نمی‌دانند. اختلاف‌های سرزمینی، ادعاهای ارضی، تضادهای فرهنگی و جدال‌های تاریخی را می‌توان در زمره مؤلفه‌هایی دانست که امنیت منطقه‌ای غرب آسیا را تحت تأثیر قرار می‌دهد. این روند





از دهه 1990 با نشانه‌های جدیدی از تعارض (مانند جدال‌های هویتی) روبه‌رو شده است. (روشندل، ۱۳۷۴: ۱۰۲)

برخی از گزاره‌های امنیتی منطقه عبارت است از:

- سطح کشمکش و تنش‌ها در منطقه بسیار بالا و خطرناک است؛
- سرعت تحولات بسیار بالا و واکنش‌ها نیز غیرقابل پیش‌بینی است؛
- تحولات؛ بسیار پیچیده و چندوجهی است؛
- ساختارهای هویتی و منافع ایدئولوژیک بر بسیاری از واقعیت‌های دیگر سایه انداخته است؛
- هر کشور با نوع خاصی از تهدید مواجه است؛
- تهدید مشترکی در اولویت این کشورها قرار ندارد؛
- بازیگران فرا منطقه‌ای قدرتمند با منافع متفاوت و رویکردهای مختلف نسبت به کشورهای منطقه در اینجا حضور قوی دارند.

**کانون‌های منازعه و تنش (جغرافیای ناهمگن):** شرایط و ویژگی‌های جغرافیایی، همواره عاملی مهم برای امنیت‌سازی محسوب شده و شکل و موقعیت ریاضی هر کشور (در همسایگی با سایر واحدهای سیاسی مجاور)، استراتژی و دکترین دفاعی-امنیتی خاص خود را دیکته می‌کند. منطقه غرب آسیا را می‌توان از این لحاظ مجموعه‌ای ناهمگن به لحاظ جغرافیایی دانست که در آن نیروهای واگرا و گریز از مرکز، به شکلی قدرتمند حضور دارند. از این لحاظ، این منطقه را به‌عنوان «منطقه شکننده» معرفی کرده‌اند. اختلاف‌های مرزی و سرزمینی، اقلیم‌های به‌شدت متفاوت (از خشک و سوزان تا مدیترانه‌ای)، اقتصادهای ضعیف و رانتی، ساختارهای ناهمگون سیاسی (از افراط‌گرایی مذهبی تا سکولار)، تنگناهای دسترسی، جمعیت نامتجانس و کنگلومرایی، تنوع بالا در برخورداری از منابع، ادیان و فرقه‌های توحیدی و غیرتوحیدی و... از جمله عوامل و بستری‌های شکل‌گیری درگیری‌ها در این منطقه است. همچنین، کشورهای این منطقه به لحاظ عدم برخورداری از عمق استراتژیک مناسب همواره خود را در معرض تهدیدهای خارجی احساس می‌کنند. بوزان

۱. اصطلاح کمربند شکننده نخستین بار از سوی S.b.kohen برای مناطقی آسیب‌پذیر به کار گرفته شد که منطقه غرب آسیا و شمال آفریقا را شامل می‌شود. منظور او از منطقه شکننده سرزمین‌هایی است که دولت‌های آن با برخورداری از موقعیت ژئواستراتژیک در حال کشمکش و بین منافع متضاد قدرت‌های بزرگ گیر کرده‌اند. (شیرازی و سیمبر، ۱۳۹۲)



مشابهت‌های درون منطقه‌ای غرب آسیا را از این جهت بسیار پررنگ می‌بیند و معتقد است مقولاتی چون تداخل جریان‌های قومی، ملی، دینی، مذهبی و بین‌المللی، با سرعت و به سهولت، غرب آسیا را نظاره‌گر نزاع‌های خونین ساخته است. (نجفی، ۱۳۹۴: ۱۰۲)

**افزایش رقابت‌های هویتی - ایدئولوژیک و افراط‌گرایی مذهبی:** عوامل مختلف ایدئولوژیکی و سیاسی در پیدایش هویت یک منطقه نقش مهمی را ایفا کرده و شباهت‌ها و تضادها، پیش‌زمینه شکل‌گیری نظام منطقه‌ای را فراهم می‌کنند. رقابت‌های ایدئولوژیک (ما در مقابل دیگری<sup>۱</sup>)، گفتمان سیاستمداران و نخبگان امنیتی غرب آسیا مبتنی بر طرح درون‌گذاری / برون‌گذاری است. بیشتر جوامع غرب آسیا، هویت خود را بر اساس موقعیت «خود» در مقابل «دیگری» یا «دیگران» تعریف کرده‌اند. به‌طورکلی، اندرکنش (تعامل) اجتماعی میان گروه‌های مختلف در منطقه، متأثر از تصویری است که هر یک از بازیگران از «دیگری» دارند. بازیگران منطقه‌ای از طریق تعامل با دیگر بازیگران مهم به درک مثبت و منفی از هم می‌رسند. بنابراین، ویژگی‌های منفی و مثبت هویت‌یابی «خود» در مقابل «دیگری»، کیفیت منظومه امنیتی غرب آسیا را شکل می‌دهد. این غیریت‌پنداری ابتدا در دوگانه اعراب / رژیم صهیونیستی وجود داشت، اما اکنون درون جهان اسلام قابل‌مشاهده است. دگرگونی‌های اجتماعی در این حوزه جغرافیایی نه‌تنها منجر به تصاعد بحران و جابه‌جایی قدرت شده، بلکه زمینه‌های لازم برای تبدیل رقابت‌های سیاسی به ستیز اجتماعی و جنگ‌های داخلی را به وجود آورده است. تحولات سیاسی غرب آسیا در سال‌های پس از جنگ سرد تحت تأثیر ظهور پدیده‌های هویت‌گرای سیاسی و ایدئولوژیک قرار گرفته است. این رقابت‌های هویتی-ایدئولوژیک در روند رادیکالیزه شدن تحولات سیاسی و امنیتی غرب آسیا بسیار مهم است. رقابت‌های ایران، عربستان و ترکیه را می‌توان در این فضا مورد تحلیل قرار داد. در حال حاضر هر یک از بازیگران منطق‌های و قدرت‌های بزرگ، رقابت‌های ژئوپلیتیکی خود را از راه بازتولید مفاهیم و تحریک گروه‌های ایدئولوژیک دنبال می‌کنند. «مصلی‌نژاد، ۱۳۹۳: ۳۶» همان‌گونه که ونت (۱۹۹۹، ۳۳۲) بیان کرد «مهم‌ترین چیز در زندگی اجتماعی این است که بازیگران چگونه خود و دیگری را بازنمایی می‌کنند. این بازنمایی از خود و دیگری، آغازگاه اندرکنش بازیگران می‌باشد و به‌واسطه آن، بازیگران مشخص می‌کنند که چه کسی هستند، چه چیزی می‌خواهند و چگونه باید رفتار کنند.» برداشت‌های خود از دیگری تنها دریافت‌های انفعالی از چیزی مستقل از خود نیست. بلکه

<sup>۱</sup> . the other



برعکس، آن‌ها به صورت فعال نقش دیگران در مقابل خود را می‌سازند. این همان نقش- هویت خود در مقابل دیگری است که تابع باورهای خود درباره خود و باورهای دیگران می‌باشد. (Wendt, 1999, 335)

به نظر ونت، اساس بینادهنی هویت اجتماعی می‌تواند همکارانه یا ستیزه‌آمیز باشد. درک این که چرا برخی از یادگیری‌ها هویت خودپرستانه را ایجاد می‌کنند و برخی دیگر هویت جمعی را به وجود می‌آورند، مستلزم این است که به چگونگی بازنمایی نیازهای هر یک از بازیگران بنگریم. بر اساس بازنمایی صورت گرفته از خود و دیگران «تعریفی از وضعیت» به وسیله هم خود و هم دیگری ارائه می‌شود. امنیتی‌شدن در حوزه اجتماعی به معنی ارائه تعریفی از «خودمان» و «خودشان» است که حاوی هویت ما در مقابل هویت آن‌ها باشد. طبق نظر ویلیامز «امنیتی‌سازی موفق یک هویت، دقیقاً شامل ظرفیت تصمیم‌گیری در خصوص حدود و ثغور هویت خاص، مخالفت با هویت غیر از خود، تعیین رابطه تهدید و حتی دشمنی بین هویت خودی و دیگری و پذیراندن این تصمیم و وضعیت به گروه‌های مربوط می‌باشد.» (Williams, 2003, 520)

**تصویرسازی‌ها و نگاه‌های متفاوت در میان حاکمان منطقه:** کشورهای مختلف جهان نگرش‌های متفاوت امنیتی دارند و بر همین اساس، هر یک از بازیگران اصلی، تلاش می‌کنند شکل خاصی از اهداف و مطلوبیت‌های استراتژیک خود را تأمین کنند. این موضوع به مفهوم آن است که جهت‌گیری کشورها در شرایطی که نظام بین‌الملل در وضعیت آنارشی قرار دارد، با یکدیگر متفاوت و متمایز است. وجود چنین تفاوت‌هایی سبب فراهم شدن زمینه‌های جدال، منازعه و حتی درگیری نظامی بین واحدهای سیاسی می‌شود؛ زیرا اگر شاخص اصلی نظام بین‌الملل را بر اساس آنارشی تحلیل کنیم، طبیعی است که هر کشوری تلاش می‌کند بیشترین مطلوبیت‌های اقتصادی، امنیتی و استراتژیک را برای خود ایجاد کند. (پوستین چپی) یکی از موضوع‌های مهم در امنیت، «تصویرسازی‌ها» می‌باشد (برای مثال، ایران هراسی و...) و اتفاقاً بخش مهم تهدیدهای امنیتی ما به دلیل همین عامل است. ویژگی لازم برای ایجاد نظام امنیتی مشترک، داشتن تصور واحد از تهدیدها می‌باشد، اما برای نمونه، دو کشور ایران و عربستان چه مقدار در اینجا احساس مشترک دارند؟ در بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، حکام عربستان بارها نشان دادند که تهدید اصلی خود را ایران می‌دانند! رهبران ج.ا.ایران نیز بارها بر غیر مردمی بودن این حکومت و سایر حکومت‌های شیخ‌نشین تأکید و در مواردی مانند عربستان و بحرین، به صراحت با حاکمیت آن به مخالفت



برخاسته‌اند. وقوع پی‌درپی جنگ‌ها و استعداد شگرف وقوع ناامنی و منازعه در این منطقه، سبب شده است که بازیگران منطقه‌ای همدیگر را در چارچوب تصورات امنیتی ببینند و ذهنیت امنیتی همچون سایه سنگینی است که بر اذهان نخبگان سیاسی، تصمیم‌سازان، حاکمان و حتی عامه مردم متبادر شده است. از این رو، همین امنیتی دیدن، مدارهای منازعه و تنش را پررنگ‌تر، منازعات را دامنه‌دارتر، همگرایی سیاسی و اقتصادی را غیرمحمول‌تر، تبادلات فرهنگی را بی‌خاصیت‌تر و دورنمای اصلاحات سیاسی-اقتصادی در جوامع غرب آسیا را شدیداً تاریک نگه می‌دارد. بدون شک، امنیتی کردن یا امنیتی دیدن موضوعات در غرب آسیا تابعی از درک نخبگانی است که به‌طور عمده در مرحله بقا به سر می‌برند و کشور و حکومت خود را در معرض خطر می‌بینند و اندیشه بازدارندگی سراسر ذهن آن‌ها را اشغال کرده و طبعاً از اندیشیدن به افق‌های آتی و سیاسی، اجتماعی دیدن موضوع بازمی‌مانند. (نجفی، ۱۳۹۴: ۳۴۱)

**مداخله‌های قدرت‌های فرامنطقه‌ای:** موضوع مهم، توجه به سامانه‌های «نفوذکننده» است و در هر طرح‌ریزی باید به نقش قدرت‌های فرامنطقه‌ای و منافع آن‌ها نیز توجه شود. اصولاً مداخله قدرت‌های بزرگ در حوزه ژئوپلیتیکی غرب آسیا یکی از دلایل اصلی گسترش بحران در این حوزه جغرافیایی است. به‌واقع این منطقه قلب زمین است و لذا عموم بازیگران جهانی از دیرباز به‌طور مفصل و راهبردی به این منطقه چشم دوخته‌اند و همین توجه و اهتمام جدی منجر به بروز شکاف‌های فراوان در ساختارهای فرهنگی سیاسی اجتماعی و اقتصادی غرب آسیا، همراه با بحران‌های متعدد شده است. جالب‌تر آن‌که با پایان جنگ سرد که منجر به‌صورت بندی نوینی از روابط قدرت جهانی شد تعاریف و عوامل ژئواستراتژیک غرب آسیا قدیم نیز متحول شد. ماهیت جدی در نظام بین‌الملل تأثیر شگرفی بر غرب آسیا گذاشت و این تغییرات چنان عمیق و سریع به وقوع پیوست که مطالعه مسائل غرب آسیا را با دشواری مواجه ساخته است. (اسلامی، ۱۳۹۴: ۵۴)

پایان نظام دوقطبی برای منطقه غرب آسیا از اهمیت به‌سزایی برخوردار است. با پایان یافتن نظام دوقطبی، غرب آسیا شاهد تأثیرپذیری از متغیرهای جدیدی به‌غیر از متغیرهای امنیتی جنگ سرد بین دو بلوک قدرت می‌شد و همین ورود متغیرهای جدید منجر به ظهور و پیدایش فضای جدیدی در غرب آسیا می‌شود که تحلیل شرایط جدید بسیار با دشواری همراه بوده است. اگرچه تهدیدات نظامی و مسائل امنیتی در غرب آسیا پس از فروپاشی نظام دوقطبی ادامه می‌یابد و مسابقه تسلیحاتی همچنان در دستور کار کشورهای مهم منطقه قرار دارد اما درگیری‌های قومی مذهبی و یا



ایدئولوژیک نیز نمایان می‌شود. غرب آسیا در گذشته و حال، صحنه دائمی یک مبارزه بین قدرت‌های بین‌المللی بوده است و برخی از این قدرت‌ها همواره در مجموعه امنیتی غرب آسیا و الگوی نظم منطقه‌ای آن نقش اساسی داشته‌اند. در همین راستا، علاوه بر نقش عوامل داخلی و منطقه‌ای، نقش‌آفرینی قدرت‌های بزرگ نیز با توجه به مسائلی مانند اهمیت نفت و انرژی، نفوذ استراتژیک و بازارهای اقتصادی غرب آسیا برای آن‌ها، از اهمیت اساسی برخوردار است. به‌طور کلی اگر خواسته باشیم به نقش قدرت‌های بزرگ در بحران‌های غرب آسیا اشاره کنیم به این نتیجه خواهیم رسید که این قدرت‌ها به دو صورت در منازعات و بحران‌های غرب آسیا نقش‌آفرینی داشته‌اند: نخست، دولت و کشور سازی و ترسیم مرزهای سرزمینی کشورهای منطقه که به دوران استعمار برمی‌گردد و ریشه بسیاری از بحران‌های غرب آسیا بوده است و دوم، دخالت در مسائل منطقه، رقابت با یکدیگر و حمایت از یکی از طرفین در منازعات و بحران‌ها. مسئله‌ای را که می‌توان در بحران کنونی سوریه و صف‌آرایی این قدرت‌ها به‌ویژه ایالات متحده و روسیه در این بحران، به‌وضوح مشاهده کرد. همچنین ریشه بسیاری از منازعات میان دولتی و منازعات قومی - مذهبی در غرب آسیا ناشی از سیاست‌های استعماری بعد از جنگ اول جهانی و ترسیم مرزهای غرب آسیا مطابق به خواست و منافع قدرت‌های بزرگ بوده است. بنابراین ریشه بسیاری از منازعات کنونی در عراق، سوریه، یمن، بحرین و سرزمین‌های اشغالی بازنمایی از مداخله قدرت‌های بزرگ در منطقه در دوران استعمار و دوران کنونی است. (نجفی، ۱۳۹۴: ۳۴۲)

**وجود گفتمان‌های متضاد انقلاب اسلامی و غرب:** خلق گفتمان‌های جدید، ترجمان انقلاب‌ها هستند (سیمبر، ۱۳۹۵)، به‌عبارت‌دیگر، انقلاب‌ها هموار با گفتمان‌هایی که ایجاد می‌کنند شناخته می‌شوند. گفتمان‌هایی که اصالتاً با گفتمان‌های قبلی در تضاد قرار دارند. این گفتمان‌ها در یک‌شب به وجود نمی‌آیند و به‌سرعت نیز جایگزین نمی‌گردند، بلکه تدریجی و در یک تبادل بین‌الذهانی به شکل سیاسی و اجتماعی در جامعه هدف استقرار می‌یابند. گفتمان‌های حمایت قاطع از جنبش‌های فلسطینی و محور رژیم صهیونیستی و طرد نیروهای خارجی در منطقه، دو محور گفتمانی جدیدی است که پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران به وجود آمد. پس از پیروزی انقلاب اسلامی، این گفتمان به تدریج نشانه‌ها و مفاهیم خود را در یک دور ستیز سخت گفتمانی و در رویارویی با گفتمان رقیب تثبیت کرد و ب منظومه‌ای مشخص معنایی دست یافت. در این دوره این گفتمان کوشیده است زنجیره هم‌عرضی خود را در برابر فرهنگ و تمدن غربی و گفتمان‌های



مسلط سکولار سامان دهد و به‌ویژه به مبارزه با آمریکا و رژیم صهیونیستی به‌عنوان مهم‌ترین نمادهای استکبار اصرار دارد. طبیعی است این استقلال‌گرایی و تأکید بر نفی حضور سلطه‌گران غربی در غرب آسیا امری است که شدیداً با منافع آمریکا و رژیم صهیونیستی منافات داشته و بر همین اساس همواره کوشیده‌اند در مقابل این ایده و گفتمان ایستادگی کنند.

**نظم مطلوب ج.ا.ایران:** ترویج گفتمان انقلاب اسلامی، نابودی نظام سلطه، فروپاشی رژیم صهیونیستی، اتحاد جهان اسلام و...

**نظم مطلوب غرب:** ترویج گفتمان لیبرال دموکراسی، دموکراتیزه کردن جوامع، استحاله جوامع، کنترل اسلام سیاسی و هدایت به سمت اسلام ... تأمین امنیت رژیم صهیونیستی، بالکانیزه کردن منطقه، جایگزین شدن رهبران جوان و فن‌سالار به‌جای رهبران فعلی و..

با اندکی تأمل در این مطلوبیت‌ها، بیشتر می‌توان به عمق چالش‌ها در این منطقه پی برد.

**تقابل و تضاد منافع کشورهای منطقه:** به جرأت می‌توان ادعا کرد همکاری‌های چندجانبه در غرب آسیا از بعد از جنگ جهانی دوم تاکنون چیزی جز همکاری برای مقابله و مهار یک دشمن مشترک نبوده است. درواقع، همکاری‌ها در غرب آسیا بیش از آنکه در راستای اتخاذ سازوکارهای لازم جهت همگرایی اقتصادی و سیاسی منطقه‌ای باشد، برای منازعه، بازدارندگی، توازن قدرت و مهار متقابل بوده است. به‌طور مثال، اعراب هیچ‌گاه نتوانستند به یک همگرایی مؤثر دست پیدا کنند جز زمانی که به تهدید مشترک و دشمن مشترکی به نام رژیم اشغالگر قدس مواجه شدند که نتیجه آن نیز چیزی نبود جز چندین جنگ و منازعه میان آن‌ها و رژیم اشغالگر قدس. مثال دیگر همکاری کشورهای حوزه خلیج فارس و تشکیل شورای همکاری خلیج فارس بعد از وقوع انقلاب اسلامی برای مقابله با ایران بوده است. نمونه دیگر، همکاری ایران، سوریه، حزب‌الله لبنان و گروه‌های فلسطینی برای مقابله و مبارزه با رژیم اشغالگر قدس است. یقیناً که اگر دشمن مشترکی به نام رژیم اشغالگر قدس برای ایران و سوریه وجود نداشت ما هیچ‌گاه شاهد اتحاد استراتژیک میان آن‌ها نبودیم. (نجفی، ۱۳۹۴: ۴۵۰)

وجود رژیم صهیونیستی: شکل‌گیری جنبش سیاسی صهیونیسم در سال ۱۸۹۷، بیانیه با لفور در سال ۱۹۱۷ و فروپاشی امپراتوری عثمانی، پیش‌زمینه‌های تأسیس رژیم نامشروع صهیونیستی را فراهم ساخت و از آن تاریخ تاکنون، وجود این رژیم، از عوامل اصلی وجود ناامنی در منطقه غرب آسیا بوده است.



برخی از مهم‌ترین دلایل ناامنی و تهدیدهای مرتبط با این رژیم عبارت‌اند از:

الف. برخورداری این رژیم از زرادخانه‌های بزرگ سلاح‌های کشتار جمعی، درحالی‌که از پیوستن به سازوکار خلع سلاح و منع اشاعه سرباز می‌زند. این رژیم با آنکه عضو آژانس بین‌المللی انرژی اتمی است، اما هیچ‌گاه پیمان‌نامه منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای را امضا نکرده و همواره از «سیاست ابهام» پیروی نموده و بر اساس اطلاعات «جینز» با برخورداری از ۱۰۰ تا ۲۰۰ ب. کلاهک هسته‌ای، ششمین قدرت هسته‌ای جهان محسوب می‌گردد.

ت. اثبات عدم پابندی این رژیم به اصول و قوانین بین‌المللی.

ث. موقعیت جغرافیایی این رژیم در قلب جهان اسلام.

ج. سابقه چندین جنگ در طول مدت تشکیل تاکنون (جنگ‌های ۱۹۴۸، ۱۹۵۶، ۱۹۶۷، ۱۹۷۳ و ۱۹۸۲ با اعراب، جنگ ۲۰۰۶ با حزب‌الله، جنگ ۲۰۰۶-۲۰۰۷ غزه و چندین عملیات نظامی دیگر علیه کشورهای اسلامی)

چ. برخورداری از صنایع نظامی و مجهزترین ارتش منطقه و از صادرکنندگان عمده تجهیزات نظامی به سایر کشورها.

**اختلاف‌های مذهبی و فرقه‌ای:** اختلاف‌های مذهبی میان شیعه و سنی از دیگر عوامل مهم ناپایداری ثبات در غرب آسیا است. اصلی‌ترین و عمیق‌ترین شکاف و گسل مذهبی که در طی چند سال اخیر بیشتر مشاهده می‌شود میان وهابیت با محوریت عربستان سعودی و شیعیان با محوریت جمهوری اسلامی ایران است. در این راستا بهره‌گیری گروه‌های سلفی وهابی از اختلافات شیعه و سنی منجر به ظهور و پیدایش گروه‌های تکفیری تروریستی همچون داعش شد. این مسئله ضمن عمیق‌تر کردن شکاف مذهبی به حادث‌تر شدن و پیچیده‌تر شدن موضوع نیز انجامید. به گونه‌ای که نزاع میان عربستان سعودی و ایران به ابعاد ایدئولوژیک انجامید و با توجه به حمایت گسترده ایران از گفتمان مقاومت، به نوعی نزاع میان دو گفتمان اسلام آمریکایی در برابر اسلام ناب محمدی در منطقه پدیدار شده است. (اسلامی، ۱۳۹۴: ۵۵) از دیگر عوامل مؤثر در عدم شکل‌گیری امنیت در غرب آسیا، تعارضات فرقه‌ای و قومی است. اگرچه بخش قابل‌توجهی از کشورهای غرب آسیا عرب هستند، اما قومیت‌های فارسی، ترکی، کردی و... نیز در این منطقه زیست می‌کنند و همین مسئله منجر به بروز نزاع‌های هویتی شده است. نزاع و گسل هویتی عربی-عجمی از جمله گسل‌های فعال منطقه است و هویت مقابل ایران در قالب نزاع ایران هراسی به آن دامن می‌زند.



البته همین امر منجر به بروز واگرایی در منطقه شده است. حتی اقدامات اخیر دولت اردوغان نیز در راه اندازی طرح اقلیم کردستان و یا اقلیم بصره برای تجزیه عراق از نمادهای آشکار گسل هویتی است که برخی کشورهای وابسته منطقه آن را شعله‌ور می‌کنند.

**بحران در منابع<sup>۱</sup>:** رشد بالای جمعیت، تشدید خشک‌سالی و کاهش منابع آبی و افزایش دمای هوا، بحران آب در منطقه را بیش‌ازپیش دامن می‌زند و احتمال وقوع جنگ در منطقه بین کشورها بر سر منابع آب بیشتر می‌شود. بنا بر تحقیق مؤسسه علوم جوی و تغییر اقلیم دانشگاه زوریخ، اگر روند تغییرات آب و هوایی همچنان ادامه داشته باشد در عرض تنها یک قرن، ترکیب دما و رطوبت بالا در منطقه خلیج فارس شرایطی را ایجاد می‌کند که زندگی در این منطقه عملاً غیرقابل تحمل می‌شود. بر اساس این گزارش در عربستان تشدید این واقعه می‌تواند سلامت مردم را در فصل گرما تحت الشعاع قرار داده و حتی باعث مرگ سالمندان به دلیل وزش بادهای گرم و غیرقابل تحمل شود. افزایش دمای هوا نه‌فقط در عربستان، که تهدید بزرگ کشورهای کویت، ایران، لیبی و یمن نیز خواهد بود. در ایران نیز پیش‌بینی شده بندرعباس و بندر ماهشهر شاهد وقوع گرمای طاقت‌فرسا در دهه‌های آتی باشد. بانک جهانی هشدار داده غرب آسیا و شمال آفریقا از جمله مهم‌ترین مناطق جهان است که تا نیم‌قرن دیگر متأثر از پدیده تغییر اقلیم و افزایش دمای هوا خواهند شد. این منطقه همواره در طول تاریخ از مناطق خشک و کم‌آب جهان بوده و کشاورزی در این منطقه وابستگی شدیدی به آب دارد. تغییر اقلیم، بحران را در غرب آسیا و شمال آفریقا تشدید خواهد کرد. براساس ارزیابی دانشمندان IPCC (پانل بین دولتی تغییر اقلیم سازمان ملل)، پیش‌بینی شده که غرب آسیا و شمال آفریقا هم‌اکنون در حال تبدیل شدن به منطقه‌ای خشک‌تر و گرم‌تر از آنچه تاکنون بوده، است. افزایش دما و کمبود بارندگی و خشک‌سالی‌های متوالی در این منطقه شدت گرفته و تخمین زده‌شده تا سال ۲۰۵۰ میلادی ۸۰ تا صد میلیون نفر در معرض تنش شدید آبی قرار خواهند گرفت و منابع آب زیرزمینی با کاهش چشمگیری مواجه خواهد شد. کاهش چشمگیر میزان تولید محصولات کشاورزی (به‌ویژه برای کشورهای کشاورزی پایه مانند یمن که ۵۵ درصد اشتغال مردم آن در کشاورزی است)، افزایش بیابان‌زایی، افزایش خسارت ریزگردها، طوفان نمک‌ها و طوفان شن، افزایش انواع بیماری‌های تنفسی و سرطانی، سوء تغذیه، کاهش منابع

۱. محتوای این بخش، از سایت مرکز توسعه فناوری آب با عنوان: تغییرات اقلیمی و بحران آب در خاورمیانه، استخراج شده است.





درآمدی، تخریب‌های بالا در اثر سیل، از بین رفتن جنگل‌ها و مراتعی مانند جنگل‌های حرا و آبسنگ‌های مرجانی خلیج فارس (که چون سدی در برابر سیل‌ها عمل می‌کنند)، بالا آمدن سطح آب دریاها تا سال ۲۰۵۰ میلادی (که اثرات این پدیده بر غرب آسیا و شمال آفریقا بیش از سایر نقاط جهان خواهد بود به طوری که بسیاری از مناطق کم‌ارتفاع ساحلی در تونس، قطر، لیبی، امارات متحده عربی، کویت و به‌ویژه مصر در معرض آسیب قرار خواهند گرفت و جمعیت زیادی را آواره خواهد کرد)، افزایش بیکاری، آسیب شدید به صنعت گردشگری، و ... در کنار رشد سریع جمعیت در این منطقه، خاورمیانه را آستان رخدادهای تلخ در آینده خواهد نمود.

بر اساس گزارش سازمان ملل، منطقه غرب آسیا و شمال آفریقا از سال ۱۹۷۰ تاکنون دارای بیشترین نرخ رشد جمعیت در بین دیگر مناطق دنیا بوده است. بر اساس مطالعات صورت‌گرفته جمعیت این منطقه از ۱۲۷ میلیون نفر در سال ۱۹۷۰ به ۳۰۵ میلیون نفر در سال ۲۰۰۵ و در سال ۲۰۱۰ نیز به ۳۲۰ میلیون نفر افزایش یافته است. چنانچه نرخ رشد جمعیت که در حال حاضر در غرب آسیا و شمال آفریقا بیشتر از سایر نقاط دنیاست به همین ترتیب پیش رود تا سال ۲۰۵۰ جمعیت این منطقه بالغ بر ۷۰۰ میلیون نفر خواهد رسید. در حال حاضر، جمعیت ۳۲۰ میلیون نفری غرب آسیا و شمال آفریقا که حدود پنج درصد جمعیت جهان را تشکیل می‌دهد کمتر از یک درصد منابع آب این سیاره را به خود اختصاص داده است.

### تجزیه و تحلیل داده‌ها یافته‌های پژوهش

مهم‌ترین و اصلی‌ترین مرحله هر پژوهش، دستیابی به پاسخی است که محقق در پی آن بوده است. بنابراین، تجزیه و تحلیل اطلاعات هدف نهایی از انجام یک تحقیق را برآورده می‌کند. در این تحقیق به منظور پاسخ‌دهی به پرسش‌ها، از یک پرسشنامه محقق ساخته استفاده کردیم. روایی این پرسشنامه با استفاده از روایی محتوا مورد تأیید قرار گرفت. برای بررسی روایی محتوایی، پرسشنامه‌ها در اختیار صاحب‌نظران مرتبط با موضوع تحقیق قرار گرفت تا نظر و پیشنهادهای خود درباره محتوای گویه‌های پرسشنامه را متناسب با هدف تحقیق ارائه دهند. پس از دریافت پرسشنامه، اصلاحات پیشنهادی قابل قبول اعمال تا پرسشنامه از روایی محتوایی لازم برخوردار باشد. برای بررسی پایایی پرسشنامه نیز از یک نمونه اولیه استفاده شد و با به دست آمدن ضریب آلفای کرونباخ ۰/۸۷، پایایی پرسشنامه نیز مورد تأیید قرار گرفت و پرسشنامه‌ی نهایی به منظور گردآوری اطلاعات، در اختیار خبرگان حوزه امنیت منطقه‌ای قرار گرفت. نظرات تعداد ۲۵ نفر از



افراد خبره در حوزه تحقیق گردآوری شد و به منظور تجزیه و تحلیل اطلاعات، وارد نرم افزار آماری SPSS گردید. بیشتر پاسخگویان (۷۱/۴ درصد) دارای تحصیلات دکتری و مابقی افراد دارای تحصیلات کارشناسی ارشد بوده‌اند. همچنین افراد حاضر در نمونه به طور میانگین تقریباً دارای ۱۴ سال سابقه تحقیق و پژوهش در حوزه امنیت منطقه‌ای بودند. از پاسخگویان خواسته شد در ارتباط با «منطبق‌ترین الگوی امنیت منطقه‌ای با مطلوبیت‌های ج.ا.ایران»، «پایه شکل دهنده الگوی مطلوب ج.ا.ایران»، «گام نخست ج.ا.ایران در ایجاد الگوی مطلوب»، «مهم‌ترین تهدید امنیت منطقه»، «محتمل‌ترین سناریوی نظم منطقه در آینده»، «مهم‌ترین دلیل عدم شکل‌گیری امنیت منطقه‌ای مطلوب ایران» و «مهم‌ترین و اصلی‌ترین پیشران شکل دهنده بر نظم نوین آینده منطقه»، در بین گزینه‌های موجود، اولویت‌بندی‌های خود را مشخص نمایند. نتایج تحلیل پاسخ‌های داده شده، که با استفاده از آزمون فریدمن به دست آمده است، در جدول‌های زیر آمده است:

جدول ۱- آزمون اولویت‌بندی مربوط به مهم‌ترین تهدید امنیت منطقه

گزینه‌ها	میانگین رتبه‌ها	اولویت	آزمون فریدمن
رقابت‌های ایدئولوژیک و رشد افراط‌گرایی مذهبی	۲/۳۳	۱	تعداد = ۲۵
آتش‌افروزی صهیونیسم جهانی	۳/۵۲	۲	کای اسکوئر = ۲۵/۰۵۱
حضور، مداخله و منافع کشورهای فرا منطقه‌ای	۳/۷۴	۳	درجه آزادی = ۶
جنگ‌های نیابتی	۴/۰۷	۴	Asymp. Sig. < 0/001
دولت‌های ضعیف و شکننده منطقه	۴/۳۱	۵	
بحران در منابع	۴/۹۰	۶	
اختلاف‌های فرقه‌ای	۵/۱۲	۷	

جدول ۲- آزمون اولویت‌بندی مربوط به مهم‌ترین دلیل عدم شکل‌گیری امنیت منطقه‌ای مطلوب ایران

گزینه‌ها	میانگین رتبه‌ها	اولویت	آزمون فریدمن
حضور، مداخله و منافع قدرت‌های بزرگ فرامنطقه‌ای و تقابل با گفتمان انقلاب اسلامی	۲/۲۶	۱	تعداد = ۲۵
حضور رژیم صهیونیستی در منطقه و آتش‌افروزی این رژیم	۳/۱۲	۲	کای اسکوئر = ۲۰/۴۵۸
واقعیت‌های خاص حاکم بر منطقه	۳/۴۰	۳	درجه آزادی = ۵
رقابت‌های دیرینه میان قدرت‌های منطقه‌ای (ایران، عربستان و ترکیه) و تبدیل شدن آن به رقابت‌های ایدئولوژیک	۳/۴۳	۴	Asymp. Sig. < 0/001
تصورها و تصویرسازی‌های متفاوت از ماهیت دشمن در نزد افکار عمومی ملت‌های منطقه	۴/۳۳	۵	



عدم وجود توازن منطقه‌ای، وجود کشورهای کوچک با دغدغه‌های امنیتی	۴/۴۵	۶
--	------	---

جدول ۳- آزمون اولویت‌بندی مربوط به محتمل‌ترین سناریوی نظم منطقه در آینده

گزینه‌ها	میانگین رتبه‌ها	اولویت	آزمون فریدمن
استمرار آشوبناکی تا حداقل ۱۰ سال آینده	۱/۷۱	۱	تعداد = ۲۵
نقش‌آفرینی و هماهنگی بیشتر قدرت‌های فرامنطقه‌ای در منطقه	۲/۹۳	۲	کای اسکوئر = ۲۶/۳۳۰
شکل‌گیری روند تجزیه کشورهای بزرگ منطقه	۳/۱۲	۳	درجه آزادی = ۴
افزایش درگیری میان قدرت‌های بزرگ فرامنطقه‌ای در منطقه	۳/۱۹	۴	Asymp. Sig. < 0/001
کاهش هرج و مرج در آینده و افزایش همکاری در قالب امنیت جمعی میان حکومت‌ها	۴/۰۵	۵	

جدول ۴- آزمون اولویت‌بندی مهم‌ترین و اصلی‌ترین پیشران شکل‌دهنده نظم آینده منطقه

گزینه‌ها	میانگین رتبه‌ها	اولویت	آزمون فریدون
اقتصاد	۲/۷۱	۱	تعداد = ۲۵
ابدئولوژی	۳/۶۰	۲	کای اسکوئر = ۱۴/۲۵۹
نخبگان اجتماعی	۴	۳	
فضای مجازی	۴/۱۰	۴	درجه آزادی = ۶
جنبش‌های اجتماعی	۴/۲۴	۵	Asymp. Sig. = 0/029
امنیت ترانزیت انرژی	۴/۳۸	۶	
سازمان‌ها و نهادهای بین‌المللی	۴/۹۸	۷	



جدول ۵- آزمون اولویت‌بندی منطبق‌ترین الگوی امنیت منطقه‌ای با مطلوبیت‌های ج.ا.ایران

گزینه‌ها	میانگین رتبه‌ها	اولویت	آزمون فریدمن
الگوی امنیت مشارکتی	۱/۶۲	۱	تعداد = ۲۵
الگوی سیاست واقع‌گرایانه تدافعی	۲/۱۷	۲	کای اسکوتر = ۴۹/۴۴۸
الگوی امنیت هژمونیک	۳/۰۵	۳	درجه آزادی = ۴
الگوی لیبرالیستی	۳/۶۲	۴	Asymp. Sig. < 0/001
الگوی تقابل	۴/۵۵	۵	

جدول ۶- آزمون اولویت‌بندی «پایه» شکل‌دهنده الگوی مطلوب ج.ا.ایران

گزینه‌ها	میانگین رتبه‌ها	اولویت	آزمون فریدمن
تمدن پایه	۲/۶۹	۱	تعداد = ۲۵
اقتصاد پایه	۲/۹۳	۲	کای اسکوتر =
فناوری پایه	۳/۸۳	۳	۲۸/۲۴۴
دفاعی - امنیتی پایه	۳/۹۰	۴	درجه آزادی = ۶
ایدئولوژیک پایه	۴/۳۳	۵	Asymp. Sig. < 0/001
زیست‌محیطی پایه	۴/۸۶	۶	
سلامت و بهداشت پایه	۵/۴۵	۷	

جدول ۷- آزمون اولویت‌بندی گام نخست ج.ا.ایران در ایجاد الگوی مطلوب

گزینه‌ها	میانگین رتبه‌ها	اولویت	آزمون فریدمن
رویکرد نرم‌افزاری: ایجابی، اعتمادسازی و اعتمادآفرینی، اقیان، تولید ارزش‌های مشترک، افزایش تبادلات فرهنگی، ورزشی و ... افزایش فعالیت در حوزه دیپلماسی عمومی، رسانه و ... در ارتباط با کشورهای پیرامونی و درک دغدغه‌های امنیتی کشورهای کوچک منطقه	۱/۳۱	۱	تعداد = ۲۵ کای اسکوتر = ۳/۵۵۶ درجه آزادی = ۱ Asymp. Sig. = 0/049
رویکرد سخت‌افزاری: افزایش توان و قدرت بازدارندگی دفاعی - امنیتی، انجام رزمایش‌های نظامی	۱/۶۹	۲	

در تمامی جدول‌های بالا مشاهده می‌شود که فرض صفر در سطح ۰/۰۵ رد شده است. فرض صفر در آزمون فریدمن عدم وجود اولویت در بین گزینه‌های موجود است. بنابراین آزمون‌ها نشان



می‌دهد که از نظر پاسخگویان، در تمامی موارد خواسته‌شده برای رتبه‌بندی، اولویت‌بندی وجود دارد. در جدول زیر، اولویت اول هر یک از موارد فوق آورده شده است:

جدول ۸- پاسخ به پرسش‌های تحقیق:

مورد	اولویت اول
مهم‌ترین تهدید امنیت منطقه	رقابت‌های ایدئولوژیک و رشد افراط‌گرایی مذهبی
محتمل‌ترین سناریوی نظم منطقه در آینده	استمرار آشوبناکی تا حداقل ۱۰ سال آینده
اصلی‌ترین پیشران شکل دهنده بر نظم نوین آینده منطقه	اقتصاد
مهم‌ترین دلیل عدم شکل‌گیری امنیت منطقه‌ای مطلوب ایران	حضور، مداخله و منافع قدرت‌های بزرگ فرامنطقه‌ای و تقابل با گفتمان انقلاب اسلامی
منطبق‌ترین الگوی امنیت منطقه‌ای با مطلوبیت‌های ج.ا. ایران	الگوی امنیت مشارکتی
گام نخست ج.ا. ایران در ایجاد الگوی مطلوب	رویکرد نرم‌افزاری: ایجابی، اعتمادسازی و اعتمادآفرینی، اقتناع، تولید ارزش‌های مشترک، افزایش تبادلات فرهنگی، ورزشی و ... افزایش فعالیت در حوزه دیپلماسی عمومی، رسانه و ... در ارتباط با کشورهای پیرامونی و درک دغدغه‌های امنیتی کشورهای کوچک منطقه
پایه شکل دهنده الگوی مطلوب ج.ا. ایران	تمدن پایه و اقتصاد پایه

## نتیجه‌گیری و پیشنهادها:

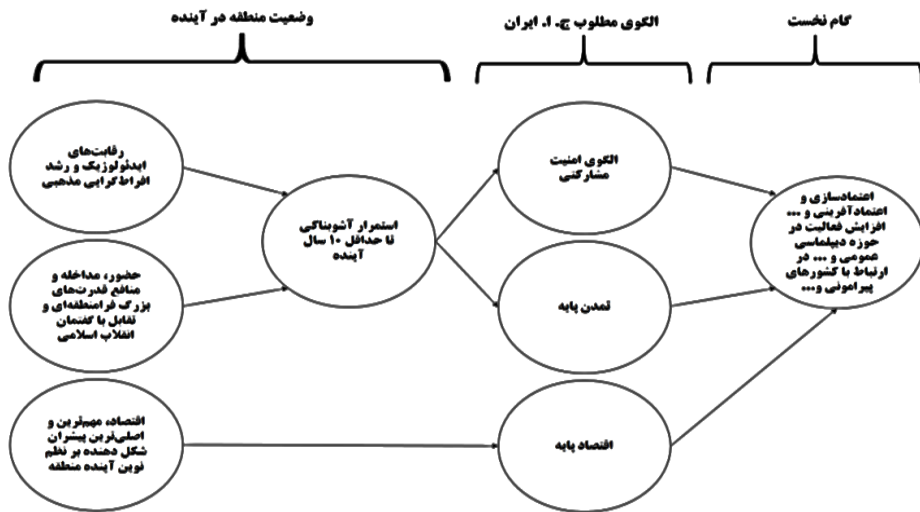
### الف- نتیجه‌گیری

اقتصاد، مهم‌ترین و اصلی‌ترین پیشران شکل‌دهنده بر نظم نوین آینده منطقه خواهد بود. بنابراین، یکی از پایه‌هایی که الگوی مطلوب ج.ا. ایران در آینده باید بر آن استوار باشد، اقتصاد است. از طرفی، رقابت‌های ایدئولوژیک و رشد افراط‌گرایی مذهبی، به‌عنوان مهم‌ترین تهدید امنیت منطقه و همچنین عامل حضور، مداخله و منافع قدرت‌های بزرگ فرامنطقه‌ای و تقابل با گفتمان انقلاب اسلامی، به‌عنوان مهم‌ترین دلیل عدم شکل‌گیری امنیت منطقه‌ای مطلوب ج.ا. ایران مورد تأیید قرار گرفته است. این دو عامل سبب می‌شوند که محتمل‌ترین سناریوی نظم منطقه در آینده، استمرار آشوبناکی تا حداقل ۱۰ سال آینده باشد. این موضوع ایجاب می‌کند که منطبق‌ترین الگوی امنیت منطقه‌ای با مطلوبیت‌های ج.ا. ایران را بتوان الگوی امنیت مشارکتی در نظر گرفت که بهترین حالت آن تقویت پیوندهای منطقه با کشورهای حاضر در حوزه نفوذ تمدنی می‌باشد. با این وصف،



نخستین گام ج.ا.ایران را می‌توان بهره‌گیری از ظرفیت‌های نرم‌افزاری خود و درک دغدغه‌های امنیتی کشورهای کوچک منطقه دانست.

سلسله‌مراتب نتیجه‌گیری فوق را می‌توان به صورت نمودار زیر رسم کرد:



شکل ۱: الگوی مطلوب امنیت منطقه‌ای ایران

الزامات ج.ا.ایران برای بازیگری فعال در ترتیبات امنیت منطقه‌ای (پیش‌فرض‌های واقع‌گرایانه)

- توانمندی برای کنترل معمای امنیتی منطقه
- توانمندی برای پیش‌بینی ماهیت تحولات منطقه
- توانمندی برای مدیریت تحولات
- توانمندی برای اقدام بر ضد استراتژی‌ها
- توانمندی برای گفتمان‌سازی، ایده‌پردازی، خلق روایت‌ها و روایت‌سازی‌های جذاب و ...
- توانمندی برای ائتلاف‌سازی، خلق متحدان و شرکای راهبردی
- توانمندی برای ساخت بدیل‌ها
- توانمندی برای ائتلاف‌سازی



**ب- پیشنهادها**

- تعریف حوزه استراتژیک برای کشور بر اساس ظرفیت‌های واقعی و بازی بر اساس وزن ژئوپلیتیکی خود در این حوزه (این حوزه بر اساس اسناد بالادستی نظام مشخص می‌گردد)
- تعمیق همکاری‌های امنیتی از طریق توسعه همکاری‌های اقتصادی، زیست‌محیطی، بهداشتی، فرهنگی.
- چشم‌پوشی از منافع زودگذر در ازای کسب منافع درازمدت
- توجه ویژه به مؤلفه‌های قدرت داخلی (قدرت نرم، قدرت بسیج‌کنندگی، سرمایه اجتماعی، مشارکت‌های سیاسی و...)
- درک دغدغه‌ها و نیازهای امنیتی سایر کشورهای منطقه و شروع همکاری با کشورهای کوچک و دارای مشکلات کمتر
- توجه به شرایط و اقتضائات زمانی
- تلاش برای تولید ارزش‌ها و منافع مشترک با کشورهای منطقه، حداکثر سازی نقاط اشتراک و حداقل سازی یا کمرنگ کردن نقاط افتراق (با بهره‌گیری از جامعه نخبگان کشورها)
- تلاش برای کاهش رقابت و از میان بردن زمینه‌های آن
- تلاش بیشتر برای اعتمادسازی و ایجاد بسترهای مشارکت جویانه بر این پایه
- تلاش برای همراه ساختن قدرت‌های بزرگ فرا منطقه‌ای و جلب ضرورت ایجاد یک نظم مشترک در راستای تأمین منافع مشترک همگانی (اتحادیه اروپا، چین و روسیه).



**فهرست منابع:****الف - منابع فارسی**

- آر. لیتل (۱۳۸۰)، "امنیت جهانی: رویکردها و نظریه‌ها"، ترجمه: اصغر افتخاری، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- اسلامی، محسن (۱۳۹۴)، همشهری دیپلماتیک، شماره ۸۹.
- افتخاری اصغر و دیگران، (۱۳۹۰)، "بازخوانی الزامات امنیتی سند چشم‌انداز جمهوری اسلامی ایران در افق ۱۴۰۴؛ رویکردی چندجانبه"، فصلنامه راهبرد، سال بیستم، شماره ۶۰.
- بوزان، باری (۱۳۷۸)، "مردم، دولت‌ها و هراس"، تهران: مطالعات راهبردی.
- بوزان، بری (۱۳۸۸)، "قدرت‌ها و مناطق"، تهران: مطالعات راهبردی.
- بوزان، بری و الی ویور (۱۳۸۸)، "ساختار امنیت بین‌الملل"، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- بیزن، بالامیر کاسکان (۲۰۰۸)، "منطقه‌گرایی و امنیتی سازی غرب آسیا"، ترجمه بیژنی، دانشگاه اصفهان.
- پوستین چی، زهره (۱۳۹۱)، "مکانیسم سازمان‌دهی امنیت همیارانه در خلیج فارس در دوران اوباما"، تهران: مرکز بین‌المللی مطالعات صلح.
- ربیعی، علی (۱۳۸۳)، "مطالعات امنیت ملی"، تهران: انتشارات دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی امور خارجه.
- روشندل، جلیل (۱۳۷۴)، "اقداماتی برای ایجاد اعتمادسازی در منطقه خلیج فارس"، مجموعه مقالات ششمین سمینار خلیج فارس، تهران: دفتر مطالعات وزارت امور خارجه.
- سیمبر، رضا (۱۳۹۵)، "دیدگاه‌های گفتمانی در تحلیل رویدادهای غزه"، سایت برهان.
- شیرازی، حبیب‌الله، سیمبر، رضا (۱۳۹۲)، "سیاست و حکومت در غرب آسیا"، تهران: عبدالله خانی، علی (۱۳۸۶)، "تهدیدات امنیت ملی (شناخت و روش)"، تهران: مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر، چاپ اول.
- عبدالله‌خانی، علی (۱۳۸۸)، "برآورد الگوهای امنیت منطقه‌ای و الگوی بهینه جمهوری اسلامی ایران"، پایان‌نامه دکترای مطالعات امنیتی، تهران: دانشگاه عالی دفاع ملی.
- عبدالله‌خانی، علی (۱۳۸۹)، "نظریه‌های امنیت"، تهران: موسسه مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر.
- عزتی، عزت‌الله (۱۳۸۰)، "ژئوپلیتیک در قرن بیست و یکم"، تهران: انتشارات سمت.
- کاظمی، علی‌اصغر (۱۳۶۹)، "نقش قدرت در جامعه و روابط بین‌الملل"، تهران: نشر قومس.





- قلی زاده، علی (۱۳۹۰)، "کدهای ژئوپلیتیکی و مناسبات اقتصادی ایران با قفقاز جنوبی"، تهران: موسسه مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر.
- مصلی نژاد، عباس (۱۳۹۳)، "تسری رقابت‌های ژئوپلیتیکی به تضادهای هویتی در غرب آسیا"، مجله سیاست خارجی، تهران: انتشارات
- میرحیدر، دره (۱۳۷۷)، "ژئوپلیتیک: ارائه تعریفی جدید"، تهران: فصلنامه تحقیقات جغرافیایی، شماره ۱۳.
- نجفی، مصطفی (۱۳۹۴)، "شش فرمول درک منازعات خاورمیانه"، سایت تابناک، شماره خبر ۵۴۷۷۴۶ مورخ ۹۴/۷/۲۵.
- یزدان فام، محمود (۱۳۸۹)، "صورت‌بندی قدرت و هویت در غرب آسیا"، تهران: مطالعات راهبردی.

#### ب - منابع انگلیسی

- Williams, Michael.C (2003), Words, Images, Enemies:Securitization and International Politics First published: 7 November 2003, International Studies Quarterly, published by Oxford University Press



